

گذر

صف‌های طولانی برای خرید مرغ

■ **مه‌ر:** در حالی وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده است که عرضه مرغ به قیمت بالاتر از ۴۷۰۰ تومان تخلف است که هم‌کثون در میادین میوه و تره‌بار که نسبت به سایر نقاط شهر، از قیمت‌های مناسب‌تری برخوردار است، هر کیلوگرم مرغ گرم ۵۲۰۰ تومان قیمت‌گذاری شده است. گویا بازار مرغ قرار نیست به سر و سامانی برسد. از یک‌سو مرغ‌داران مدعی هستند که نهاده‌های دامی به موقع به دست آنها نمی‌رسد و از سوی دیگر، دولت مدعی است که باید در این زمینه به دلیل حمایت از مصرف‌کنندگان، قیمت‌گذاری صورت گیرد. در این میان تنها مصرف‌کنندگان می‌مانند و قیمت‌هایی که روز به روز با یک رقم از سوی مسوولان اعلام می‌شود. چند وقتی هست که بازار مرغ با تلاطم دست و پنجه نرم می‌کند و این تلاطم گویا تمامی هم ندارد و مصرف‌کنندگان را نیز سرر در گم کرده است. قیمت مرغ که با قیمت‌گذاری دولت در ماه‌های انتهایی سال ۹۰ حتی تا ۳۸۵۰ تومان نیز عرضه می‌شد، هم‌اکنون حتی در برخی از مغازه‌ها به ۷۲۰۰ تومان هم رسیده است؛ البته با اعلام دولت مبنی بر تقا‌م با مرغ‌داران و اتحادیه مربوط به آنها، بازار کمی آرامش را تجربه کرد. در این میان، بررسی‌های میدانی نشانگر این است که مردم که چند روزی است مرغ را حتی تا ۷۲۰۰ تومان نیز خریداری کرده بودند، این روزها به دنبال مرغ ارزان از این میدان میوه و تره‌بار به آن میدان میوه و تره‌بار می‌روند، به همین دلیل بود که بعد از اعلام توزیع گسترده مرغ با قیمت تعادلی در میادین میوه و تره‌بار، صف طولانی در مقابل غرفه عرضه مرغ گرم در میادین تشکیل شد و مردم به امید دریافت مرغ از ساعت‌های ابتدای باز شدن این میادین، در مقابل این غرفه‌ها صف تشکیل دادند. یکی از افرادی که در صف ایستاده است می‌گوید: از ساعات ابتدایی بازگشایی میادین برای تهیه مرغ آمده است و بعد از سه ساعت نوبش شده است. او می‌گوید: بنا بر اعلام رسانه‌ها خود را برای خرید مرغ ۴۷۰۰ تومانی آماده کرده بودم، اما میادین میوه و تره‌بار، مسرغ را با قیمت ۵۲۰۰ تومان عرضه کردند.

ادامه از صفحه اول

فرصت «المیک» را از دست ندهیم

۲- از منظر قوانین بین‌المللی؛ باید جماع بین‌المللی توجه داشته باشند هر اقدام مدیریتی در ورزش در کشوری اعم از مسوولان دولتی یا غیردولتی ورزش تبعات و اثرات تعریف شده خود را دارد که تبعات مذکور به دقت در اسانسمه‌های مربوطه مورد توجه وادع شده است. با فرض اقدام خلاف قانون یا عارف در زمینه مدیریتی خاصی در ورزش کشور، نمی‌تواند مجازات عدم حضور ورزشکاران آن کشور در المپیک را به دنبال داشته باشد. در قوانین و اسانسمه‌های فدراسیون‌های بین‌المللی، مجازات‌های قانونی برای هرگونه اقدام غیرقانونی یا عدم اقدام قانونی که مغایر با اسانسمه باشد، مشخص شده است. در هیچ‌کدام از آنها اجازه محروم کردن ورزشکاران از حضور در بازی‌های المپیک پیش‌بینی نشده‌است.بنابر این مسوولان کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های جهانی مربوطه باید توجه لازم را مبذول دارند که درخصوص حقوق مردم کشورها در استفاده از فرصت‌های قانونی بین‌المللی میوه‌زه عرصه مهمی مانند بازی‌های المپیک نباید به راحتی تصمیماتی‌هم‌مطالعه‌اتخاذ کنند.

۳- از منظر مدیریت ورزش در داخل کشور باید به مسوولان ذیربط یادآوری کنیم حتی در موارد استفاده از حقوق قانونی هم منطبق حکم می‌کند (از مسوولان مربوطه هم همین توقع می‌رود) که شرایط و مژلمات به دقت سنجیده شوند و در زمانی که احساب شود به دلیل اقدامی اشتباه یا حتی اقدامی قانونی ممکن است منافع ظلم جووان کشور به خطر بیفتند یا لحاظ کردن اولویت و درجه اهمیت مسایل باید دقت‌نظر بیشتری مبذول گردد و همه چیز به نفع کسب منافع ملی تغییر جهت داده شود. در این فتره نیز باید با کنار گذاشتن هرگونه مسایل حاشیه‌ای و غیرضروری و با در نظر گرفتن مصالح ملی و منافع عامه مردم تصمیماتی را اتخاذ کنند که هم نگرانی مردم برطرف شود و هم امکان چنین اقداماتی که محرومیت کاردان المپیکی کشورمان در المپیک لندن) کلاًغیرممکن شود.

۴- از منظر رسانه‌ها و جراید نیز این مساله بسیار حایز اهمیت است. در زمانی که چنین رخدای در فضای ورزش کشور روی می‌دهد، مهم‌ترین نقش رسانه‌ها، تزریق آرامش و کمک به حل منطقی و اصولی مساله است. با در نظر داشتن اینکه مصالح ملی کشورمان بر هر امری ارجح است، باید با ایجاد فضای آرام و فراهم آوردن زمینه استفاده از نقطه‌نظرات مدیران و کارشناسان دلسوز، شرایطی را فراهم کنند که مشکل حاضر به نفع مردم مرتفع شود.

۵- در نهایت از منظر روانی و آمادگی ورزشکاران موضوع حایز اهمیت است. برخی از کشورها حتی فقط یک ورزشکار المپیکی دارند ولی تمام توجه دستگاهها و مردم را معطوف حمایت و پشتیبانی روانی و تامین آرامش فکری وی می‌کنند. حال که به یمن چندین دهه فعالیت ورزشی کشورمان و به همت جوانان کاروان نسبتاً قابل توجهی عازم المپیک می‌شود، جا دارد با سرعت پیش‌بین در حل این مشکل شرایط مناسب روانی مثبت و آرامش را برای ورزشکاران فراهم کنیم تا امکان بهره‌ربری مطلوب از شرایط حضور در المپیک برای این عزیزان و افزایش غرور ملی برای مردم کشورمان تامین شود.

■*رییس اسبق سازمان تربیت‌بدنی

حاج آقا چندسال است که در عرصه تولید فعال هستی؟

من ۸۱ سال سن دارم و ۶۱ سال است که کار می‌کنم. **حاج‌طوری کار را شروع کردید و اولین کار با فعالیت‌تان چه بود؟**
در روزهای تعطیل و تابستان‌ها پدرم من را نزد عمومیم می‌گذاشت که کارخانه‌اتوکاری داشت. اولین کار من اتوی جوراب بوده اتوی جوراب به‌صورت دستی- به این صورت که با چوب قالب پای مردانه و زنانه را درست کرده بودیم، بعد جوراب‌های خام را که دستی بافته شده بودند را می‌کشیدیم روی این قالب‌ها. پاشنه و جلوی جوراب را صاف می‌کردیم، به این صورت جوراب خام به قالب می‌چسبید به دلیل اینکه کار سنتی بود، جایی را نداشتیم که این جوراب‌های قالب گرفته را خشک کنیم. این قالب‌ها را می‌بردیم پشت باب تا جوراب‌های خام، خشک شوند. جوراب‌ها پس از خشک شدن شکل قالب را به خود می‌گرفتند. جوراب‌های خشک را از قالب در می‌آوردیم و به صورت ردیفی لابه‌لای مقوسا می‌چیدیم در چند ردیف، یکی در میان، جوراب و مقوا را روی هم می‌چیدیم، در آن زمان، کوره همیزی داشتیم.چدن‌ها را می‌گذاشتیم داخل کوره تا باغ شوند، چدن‌های داغ شده را از کوره بیرون می‌آوردیم، یک حلیی روی مقواهای می‌گذاشتیم و بعد چدن‌های داغ را روی حلیی‌ها می‌گذاشتیم و دوباره حلیی دیگری را روی چدن‌ها قرار می‌دادیم. فلکای اگذاشتیم، مقواهایی که جوراب‌ها را بین آنها گذاشته بودیم بین این فلکه قرار می‌دادیم. فلکه را تا جایی که دستمان زور داشت، می‌بچاندیم، با این کار جوراب‌هایی که بین مقواها گذاشته بودیم را برس می‌کردیم. جوراب‌ها به این صورت بین مقواها، چدن‌های داغ و فلکهای که روی آنها فشار می‌آورداتو می‌شدند.

کار اتوکشی در حال حاضر یکی از آسان‌ترین شغل‌ها به نظر می‌رسد، اما در آن زمان خیلی سخت بود!
هم سخت بود و هم به غیر از سختی، کسی هم وارد کار تولید نمی‌شد. دلایل مختلفی داشت، سختی کار یکی از آنها بود اما کسی سرمایه چندان‌ی نداشت که بخواهد در کار آن هم کار سنتی با آن همه سختی سرمایه‌گذاری کند. یادم هست اولین کاری که بر پای خودم شروع کردم پول چندان‌ی نداشت به همین دلیل برای اینکه پولی به کارگر ندهم، خودم کارتن‌های جوراب اتو شده را حمل می‌کردم، می‌ردم به بازار مسگرها و به کسانی که جوراب‌ها را به من سفارش داده بودند، تحویل می‌دادم.

روز یک خالصم در حالی که کارتن بزرگ جوراب‌های اتو شده را روی دوش گذاشته بودم و به سمت بازار مسگرها می‌رفتم من را دیده بود، رفته بود و به مادرم گفته بود که شما «خلیل» را گذاشته‌اید حمالی کند، چراین کار را کردید؟
آسمدم، دیدم مادرم گریه می‌کند. گفتم: حالت دیده که تو حمالی می‌کنی. گفتم: من حمالی نمی‌کنم، کار خودم است، سفارش‌ها را خودم می‌برم و تحویل می‌دهم.

کارم را از اینجا شروع کردم. هیچ ابایی هم از سختی کار نداشت، تا اینکه کم‌کم که سرمایه کمی جمع کردم، وارد کار جورابفایی شدم که آن هم به صورت سنتی بود. بعد هم که پارچه‌بافی را شروع کردم. کار سنتی بود و پارچه‌ها را هم به همان صورت جوراب‌ها و لابه‌لای چدن‌ها اتو می‌کردیم، می‌بچیدیم و تحویل مشتری می‌دادیم.

تا تولد سنتی خیلی سخت بوده، واقعا می‌شود حد داد که کسی حاضر نباشد وارد عرصه تولید شود. تولید سنتی چگونه به صنعتی تبدیل شد؟

چند سال بعد از اینکه وارد کار کردم و صاحب کمی سرمایه، تولید سنتی داشت جای خود را به تولید صنعتی می‌داد. در آن موقع یک «کلیبی» چند دستگاه ماشین بافندگی چینی وارد کرده بودم. من دو تا از دستگاه‌ها را به صورت قسطی، خریدم و از تولید جوراب به صورت سنتی، به کار بافندگی جوراب با دستگاه یا به عبارتی تولید صنعتی مشغول شدم. بعد که کمی کار با دستگاه و تولید صنعتی را یاد گرفتم، چند دستگاه دیگر نیز خریدم و جمعاً کار را با ۱۳ دستگاه جورابفایی ادامه دادم.

یافت که اتوکشی‌ها در جریان تغییر یعنی تبدیل تولید سنتی زمان کارگرها روز کار می‌کردند و من خودم شب‌ها می‌ماندم، بقیه جوراب‌ها را می‌بچیدم. صبح که کارگرهای می‌آمدند تا کار را شروع کنند، من جوراب‌های ۲۰۰ تا ۲۰۰ مقوا را بر کرده بودم. یعنی دو شیفت کار می‌کردم. در آن موقع خانام در نارمک بود و مجبور بودم تا به‌جای این که ماشین سوار شوم، می‌ساعت یا ۴۵ دقیقه را پیاده‌روی کنم تا خودم به کارگاه برسانم.

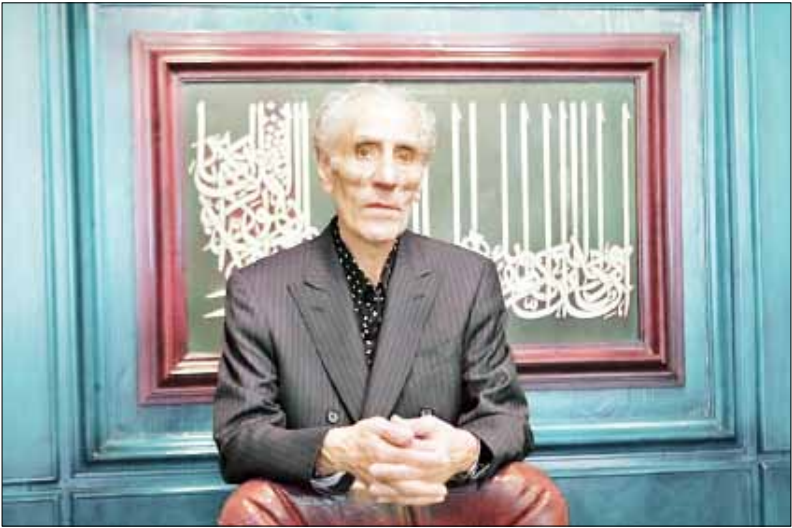
توضیح دادید که کار چطور از سنتی به صنعتی تبدیل شد، درخصوص مشکلات دوره سنتی هم توضیح دهید.

یکی از مشکلات بزرگ در آن دوره نبود سرمایه بود. واقعا کسانی که می‌خواستند کار تولید انجام دهند، سرمایه‌ای نداشتند که بتوانند فعالیت خود را شروع کنند. این امر شروع فعالیت تولیدی را سخت می‌کرد. وقتی شروع کردم به کار، در بازار مسگرها مکانی را گرفته بودم، کار دست‌ی انجام می‌شد و محدود. همان‌طوری که تعریف کردم شب‌ها خودم کار می‌کردم تا روغن کار پول بدهم. یادم می‌آید که در آن دوران، ساعت چهار صبح می‌رفتم کارگاه افسری جلوی من را گرفته و پرسید: صبح می‌ری؟ گفتم: میرم کارگاه. گفت: چهار صبح کارگاه باز نمی‌شود. گفتم: من برای خودم کار می‌کنم، می‌رم در را باز می‌کنم و کار را شروع می‌کنم تا بقیه سر کار بیایند. افسری که من را گرفته بود، چیزی نگفت، من را رها کرد و رفت. فردا شب داخل کارگاه مشغول کار بودم که صدای در آمد. در را روغن کاری نکرده بودیم و به همین دلیل، صدای جیرجیر در درآمد. ترسیدم که این وقت شب چه کسی وارد کارگاه شده، دیدم همان افسری است که شب قبل من را گرفته بود. گفت: آقای محترم من شک داشتم که چهار صبح واقعا می‌ای کار کنی یا نه، به همین دلیل دنبال‌آ آمدم ببینم واقعا کار می‌کنی. گفتم: من چون سرمایه ندارم، یک شیفت کارگرم کار می‌کنم.شب‌ها هم برای کار زودتر بیدار می‌شدم، بروم خودم کار می‌کنم. این اتفاق، از ارتباط خوبی را بین من و

اقتصاد

۶۱ سال تولید در گفت‌وگو با یکی از قدیمی‌ترین فعالان صنعت نساجی کشور

کاش دولت هم صنعت را دوست داشت



عکس: مهدی حسینی، شرق

مریم میرزایی: خاک تولید خوردن یعنی سختی کشیدن به تمام معنا. می‌شود این را از خاطرات شخصی فهیمد که وقتی سالیان سال، تولید را به تصویر می‌کشید، اشک در چشمانش حلقه می‌زد. به‌خصوص وقتی می‌گوید خاله‌اش وی را دیده است که کارتن جوراب‌های اتو شده را برای تحویل به سفارش‌دهندگان روی دوش می‌کشد و مادرش فکر کرده بوده که وی برای دیگران حمالی می‌کند. می‌خواهم به مناسبت ۱۰تیر و «روز صنعت و معدن» دیگر سراغ مسوولان و نامداران این عرصه نروم. از وعده‌های بی‌عمل تولید ننویسم. می‌خواهم، پای درد دل کسی بنشینم که سال‌ها خاک تولید خورده است. از فعالان صنعت نساجی سراغی می‌گیرم و از قدیمی‌ترین فعالان این صنعت. نامی‌هایی مطرح می‌شود و باب آشنایی با «حاج‌خلیل رحیمی». از باز می‌کنند. می‌گویند ۸۱ سال دارد و سه چهارم عمر خود را پای تولید گذاشته است. برای گفت‌وگو با حاج‌خلیل رحیمی باید با یکی از قدیمی‌ترین معتمدان یا بنیانش گفت‌وگو کرد. چهارراه گلوبندگ. آنجایی که بافت فرسوده، گره شهری شده و تنها مغازه‌هایی که آیینه و شمدان‌هایی پر زرق و برق را به نمایش گذاشته‌اند، با چند واحد ساختمان نوساز و بانک، نمای مدرن به چهارراه داده است، با این حال نمی‌توان از فرسودگی بافت آن گذشت. وقتی پای صحبت یکی از قدیمی‌ترین فعالان صنعت نساجی به میان می‌آید در میان ساختمان‌های قدیمی این محله نام آشنایی یا بنیانش به دنبال کارخانه دوزندگی می‌گرم. آدرس درست است اما ساختمان قدیمی نیست. وارد ساختمان که می‌شوم با خوشرویی به اتاق بزرگ سبزرنگی راهنماییم می‌کنند که سمت راست آن میز کار بزرگی قرار دارد و سمت چپ آن نیز میزی با هشت صندلی به چشم می‌خورد. روی دیوارها تابلوهایی نقاشی، خط، معرق و لوح‌های تقدیری از «مصطفی‌علی» وزیر علوم دولت اصلاحات گرفته تا «محمد ناهاندیان» (رییس اتاق بازرگانی ایران توجه را جلب می‌کند. مشغول خواندن لوح‌های تقدیر هستم که حاج‌آقا رحیمی از در وارد می‌شود. سلام می‌کنم و منتظر می‌شوم تا جایی که راحت است بنشیند. برای آغاز گفت‌وگو پشت میز هشت نفر قرار می‌گیرد و شروع می‌کنیم. آنقدر در مقابلش جوان، خام‌وبی‌تجربه هستم که به سختی می‌پرسم چند سال است که وارد کار تولید شده و پاسخی می‌شنوم که نمایی از شش‌دهه را به نمایش می‌گذارد، ۶۱ سال. بسیار آرام است، آرام نیز پاسخ می‌دهد. خاطرات را نیز دو یا سه بار تکرار می‌کند. گویی از تکرار خاطراتی که گفته است لذت می‌برد. از روزهایی می‌گوید که خانه‌اش در نارمک بود تا زمانی که به خیابان باغی آمد. آن روزهای که هنوز بزرگراه مدرس را نساخته بودند تا حالا. به پشتوانه شش‌ده حضور در صنعت نساجی، پای خاطرات تلخ و شیرین روزهای تولید می‌نشینیم و حاج‌خلیل رحیمی ۶۱سال تولید را ورق می‌زند.

آن افسر رقم زد. بعدها این افسر به من خیلی کمک کرد. در آن دوران برای رفت‌وآمد محدودیت‌هایی وجود داشت، چه در روز و مکان‌هایی خاص و چه در شب. اما من برای رفتن به تمام جاهایی که می‌خواستم، آزاد بودم. آن افسر برای من مجوز گرفته بود و من آزادانه برای انجام کارهایی که داشتم تردد می‌کردم.

کار سنتی خیلی سخت بود، خیلی سخت. کسانی که کار تولید را به صورت سنتی شروع کرده بودند و سنتی جلو آمده بودند، بسیار تلاش می‌کردند تا دستگاه‌هایی خریداری کرده و تولید سنتی را کنار بگذارند اما به دست آوردن سرمایه، کار مشکلی بود. الان که کار را به صورت صنعتی و اتوماتیک انجام می‌دهم خیلی نگاهم به گذشته است. سعی کرده‌ام تا کارگرانی که با من کار می‌کنند، در محیطی مناسب و خوب کار کنند. یکبار یکی از مهندسانی که در کارخانه کار می‌کند، از من پرسید که چرا آنقدر برای کارخانه خرج می‌کنی؟ گفتم: چون من از کارگری بالا آسمدم، قدر کارگر را می‌دانم. نمی‌خواهم کارگر من در زیرزمین در یک جای خفه بدون پنجره کار کند.

دلم می‌خواهد کارگر در یک فضای تمیز و مناسب کار کند تا از کار لذت ببرد. خودم سختی کشیدم، دوست دارم کارگری که با من کار می‌کند حس خوبی داشته باشد و از کارش لذت ببرد. این امر بر کار او نیز تاثیر مثبت دارد.

حاج‌آقا رحیمی، به غیر از سختی‌های کار سنتی که توضیح دادید، در جریان تغییر یعنی تبدیل تولید سنتی به صنعتی چه چالش‌هایی وجود داشت؟

مهم‌ترین آنها، نبود سرمایه برای خرید دستگاه‌ها بود. یکی دیگر از مشکلات هم این بود که وقتی فعالان تولید سنتی، دستگاهی می‌خریدند، تحوۀ اداره کار را بلند نبودند. با باید خودشان کار را یاد می‌گرفتند یا مهندسی می‌آوردند که کار را بلد باشد. تولیدکنندگان سنتی به کار در این سیستم وارد نبودند، هماهنگ شدن با این سبک کار سخت و مشکل‌ساز بود. به همین دلیل کمتر کسی تمایل به تولید داشت. در آن دوره بیشتر جوراب‌ها توسط کلیهی‌ها وارد می‌شد. حتی تولیدکنندگان نخ‌های مورد نیاز خود را نیز از کلیهی‌ها می‌خریدند.

یعنی می‌توانیم بگوییم در جریان تبدیل تولید سنتی به صنعتی، صاحبان کارخانه‌های سنتی به دلیل نداشتن آگاهی از تکنولوژی دچار مشکل بودند.

بله، دقیقاً این موضوع در ابتدا مشکل‌ساز بود.

این امر باعث شد که تولیدکنندگان سنتی نسبت به این تغییر از خودشان مقاومت نشان بدهند؟

نه، نسبت به مقاومت نمی‌کرد اما مشکل اصلی اینجا بود که برای تبدیل تولید سرمایه وجود نداشت. مثلاً کسانی مثل من که از تولید سنتی آمده بودیم و تصمیم داشتیم صنعتی باشیم و با تکنولوژی کار کنیم، سرمایه‌ای نداشتیم که بخوایم دستگاه بخیریم. خود من قسطی دستگاه خریدم تا تولید سنتی خود را عوض کرده و به تولید صنعتی تبدیل کنم.

ارتباط مردم با طرح صنعتی شدن چگونه بود؟

وقتی چیزی قرار است عوض شود یا اوضاع به هر دلیلی به هم می‌خورد، سازماندهی دوباره اوضاع بسیار سخت است و مشکلات بسیاری هم دارد. بسیاری ممکن است از شرایط سوءاستفاده و شرایط را سخت‌تر کنند. به هر روی، از کسانی که می‌خواستند کار کنند و تولید را ادامه دهند، استقبال می‌کردند. اما برای کسانی که با تولید سروکاری نداشتند، این تغییر مهم نبود. ما در عرصه تولید خیلی سختی کشیدیم، ولی

اقتصاد

ادامه از صفحه اول

هیجان در «استانبول»

■ سخنگوی اقتصادی دولت ادامه داد: در این شرایط بود که بانک مرکزی نرخ مرجع را اعلام کرد و این برنامه همچنان در دستور کار ما قرار داد. وی گفت: به طور مشخص بر بازار متمرکز شده‌ام و به دنبال رصد دقیق آن هستیم؛ یعنی فعل و انفعالات بازار را می‌دانیم و جله‌جایی‌های ارزی که صورت می‌گیرد، برای ما مشخصی است.

مردم به شایعات توجه نکنند

نکته دیگر اینکه در شرایطی که دلار دوهزار تومانی دوسه‌هه میهمان بازار شده رییس کار بانک مرکزی گفت: ذخایر ارزی کشور به اندازه نیازهایمان است و هیچ مضیقه‌ای در تامین ارز مورد نیاز وجود ندارد و این اطمینان را نیز می‌دهم که در آینده هم چنین کمبودی نخواهیم داشت. «محمود بهمنی» درخصوص دلایل نوسانات چند روز اخیر در قیمت ارز گفت: بخش عمده‌ای از این نوسانات تحت‌تاثیر عامل انتظارات متاثر از تحولات سیاسی و روانی است و در عمل اتفاقی نمی‌افتد که قیمت را دستخوش تغییر معناداری کند. از این رو اثر این تحولات کوتاهمدت و مقطعی بوده و با بروز انتظارات در جهت مخالف به سرعت، روند معکوس می‌شود. وی در واکنش به اینکه شایعاتی در مورد افزایش قیمت دلار در روزهای آینده به گوش می‌رسد، گفت: تغییر قیمت نشأت گرفته از عوامل واقعی تنها زمانی اتفاق می‌افتد که در میزان عرضه یا تقاضا تغییر رخ دهد؛ پس از آنجایی که در حال حاضر و در آینده نیز تغییر تاثیرگذاری در مورد این دو عامل یعنی میزان عرضه ارز به بازار و تقاضا برای آن به وجود نیامده و نخواهد آمد، علتی برای نوسان قیمتی وجود ندارد. از ایس‌ر رو تاکید می‌کنم مردم به این شایعات توجه نکنند و تحت‌تاثیر جو روانی برخی سودجویان هم قرار نگیرند.

آما‌تورها مواظب باشند

«محمد کشتی‌آرای»، رییس اتحادیه کشوری طلا و جواهر هم درخصوص رشد قیمت شدید روزهای پایان هفته به شسرق گفت: رشد قیمت طلا و سکه ناشی از افزایش قیمت‌ها در بازار ارز بود، به این ترتیب در حالی که بهای جهانی طلا بافت مواجه شده و بر آونس طلا در ۱۰ روز گذشته بیش از ۶۰ دلار کاهش یافته اما بازار داخل شاهد رشد شدید بهای طلا و سکه است. او ضمن اعلام بازگشت التهاب و هیجان به بازار طلا و ارز، افزود: شروع تعطیلات تابستانی و آغاز سفرهای خارجی، همچنین رکود حاکم بر بازار در قیل از نوروز و افت معاملات در این ایام، باعث نیاز تجار و بازار گران در حال حاضر شده که همه آنان موجب افزایش تقاضای رز و رشد بهای آن شده است. البته رییس اتحادیه کشوری طلا و جواهر تاکید کرد: بالا رفتن قیمت‌ها در آخرین روز هفته تا حدودی متاثر از رفتارهای هیجانی معامله‌گران سکه بوده و به‌طور حتم امروز شنبه قیمت‌ها به سمت واقعی شدن حرکت خواهند کرد. کشتی‌آرای با بیان اینکه نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی از بازار طلا و ارز داشت، گفت: در حال حاضر شرایط بازار طوری است که نمی‌توان گفت قیمت‌ها به سمت بالا حرکت می‌کنند یا روند نزولی خواهند داشت اما توصیه به خریداران این است که تا زمانی که بازار به تعادل نرسیده وارد بازار نشوند. وی تاکید کرد: در بازار التهابی و پرنوسان ارز توصیه می‌شود افرادی که حرفه‌ای نیستند با قدرت ریسک‌پذیری نازند، وارد این بازار نشوند یا مشاوره اهل فن، اقدام به معاملات کنند زیرا در بحران این صورت به‌طور حتم ضرر خواهند کرد زیرا قیمت انواع ارز و طلا حبابی و ناشی از هیجانات هجوم تقاضاکنندگان به بازار است. کشتی‌آرای تاکید کرد: در اولین روز هفته قیمت ارز و سکه از حالت حبابی خالی می‌شود و حالت واقعی به خود خواهد گرفت.

ارز	قیمت(دولار)	تغییر(دولار)
دولار آمریکا	۲۰۲۰	+۱۹۹
یورو	۲۵۲۵	+۱۰۷
پوندانگلستان	۳۱۲۰	+۱۳۰
دلار کانادا	۱۹۹۰	+۸۰
یک‌معدن یژاپن	۲۵۲	+۱۲
درهم امارات	۵۴۷	+۲۷
لیر ترکیه	۱۱۱۰	+۴۰

طلا و سکه	قیمت(دولار)	تغییر(دولار)
طرح قدیم	۷۸۰۰۰۰	+۶۲۰۰۰
طرح جدید	۷۷۵۰۰۰	+۵۹۰۰۰
نیم‌سکه	۳۸۷۰۰۰	+۲۹۰۰۰
ربع‌سکه	۱۹۸۰۰۰	+۱۵۰۰۰
سکه یک گرمی	۱۱۶۰۰۰	+۷۰۰۰
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۷۷۱۷۰	+۴۴۱۰
یک اونس طلا	۱۵۸۳	+۷

ادامه از صفحه اول

توسعه صنعتی

در گرو پرهیز دولت از دخالت

بپذیرند که در دوران اقتصاد صنعتی، شرکت‌ها با دارایی‌های مشهود خود ارزش می‌آفرینند ولی در حال حاضر جله‌جایی فرصت‌های ارزش‌آفرینی از مدیریت دارایی‌های مشهود به مدیریت دارایی‌های نامشهود و دانش‌محور تغییر

کرده است. بر همین اساس باید در دارایی‌های نامشهود از قبیل سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های اطلاعاتی و سازمانی از حوزه‌هایی چون روابط با مشتریان و دی‌تغیان، خدمات‌دبغ، کیفیت بالا، فرآیندهای عملیاتی پاسخگو، فناوری اطلاعات، بانک‌های اطلاعاتی و توانمندی‌های محوری تمرکز بیشتری داشته و در بخش‌ها، سرمایه‌گذاری اساسی را انجام دهند.

■ **رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران**